

رئیس پژوهشکده باستان شناسی کشور به سر آمد خبر داد:

همکاری با هیئت‌های خارجی برای باستان‌شناسی زیر آب



رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی در خصوص همکاری با کشورهای خارجی در حوزه باستان‌شناسی زیر آب نیز گفت: همکاری با هیئت‌های خارجی در این زمینه می‌تواند بسیار مفید باشد، زیرا ممکن است آنها اطلاعات، تجربه و تجهیزات بیشتری در اختیار داشته باشند و در کنار یکدیگر می‌توانیم از این تجربیات استفاده کنیم. معصومه مصلی در گفت و گو با اقتصاد سرآمد با اشاره به شرایط موجود کشور و تأثیر آن بر فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی گفت: برنامه‌های امسال این است که فعالیت‌های مورد نظر انجام شود اما متأسفانه شرایطی که در کشور پیش آمده باعث شده نتوانیم در همه موارد دقیقاً مطابق اولویت‌بندی اولیه خود پیش برویم.

رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، بیان داشت: امیدواریم شرایط کشور در ادامه سال پایدارتر باشد تا بتوانیم به اولویت‌هایی که برای فعالیت‌های باستان‌شناسی تعیین کرده‌ایم، دست پیدا کنیم.

وی درباره همکاری با کشورهای خارجی در حوزه باستان‌شناسی زیر آب نیز گفت: همکاری با هیئت‌های خارجی در این زمینه می‌تواند بسیار مفید باشد، زیرا ممکن است آنها اطلاعات، تجربه و تجهیزات بیشتری در اختیار داشته باشند و در کنار یکدیگر می‌توانیم از این تجربیات استفاده کنیم.

مصلی تأکید کرد: باستان‌شناسی در دنیا بر پایه تبادل اطلاعات و تجربه پیش می‌رود و همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه اهمیت دارد. به همین دلیل، همکاری با هیئت‌های خارجی در باستان‌شناسی زیر آب نیز در برنامه‌های ما قرار دارد و طبیعتاً انجام این فعالیت‌ها با همکاری متخصصان خارجی می‌تواند روند کار را بهتر پیش ببرد.

دیوار گرگان همچنان نیازمند بررسی‌های جدید است رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی درباره اینکه آیا دیوار گسرگان نیز در برنامه بررسی‌ها و فعالیت‌های باستان‌شناسی قرار دارد، گفت: هیچ‌گاه نمی‌توان گفت اطلاعات یک محوطه صددرصد کامل شده و دیگر نیازی به بررسی و مطالعه ندارد.

این مقام مسئول در پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور، خاطرنشان ساخت: ممکن است سال‌ها قبل یک محوطه مورد کاوش و بررسی قرار گرفته باشد اما امروز دوباره با رویکردهای جدید و با هدف به دست آوردن اطلاعات بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. وی اذعان داشت: بنابراین انجام بررسی‌های جدید به معنای بی‌ارزش بودن مطالعات گذشته نیست بلکه باستان‌شناسی علمی همواره به دنبال تکمیل اطلاعات است.

رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی، اذعان داشت: دیوار گرگان نیز در برنامه‌های باستان‌شناسی قرار دارد و فعالیت‌ها و بررسی‌های مربوط به آن توسط پژوهشکده دنبال می‌شود

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

ضرورت بازطراحی مدیریت بحران بر پایه شبکه‌های مردم‌نهاد

«تعاونی‌ها» سپر فراموش شده بحران



این شبکه عظیم توزیعی و تولیدی را در وضعیت تعلیق قرار داد. این تعلیق، محصول ضعف درونی تعاونی‌ها نبود؛ محصول معماری نهادهای ای بود که تعاونی را در حالت عادی به رسمیت می‌شناخت اما در وضعیت اضطراری، آن را از دایره تصمیم‌گیری بیرون می‌گذاشت. بررسی گلوگاه‌های اجرایی حاکی از آن است که تمرکزگرایی مفرط در مدیریت بحران و اتکای تام به بوروکراسی دولتی، به پاشنه آشیل هدایت لجستیک بدل شده است. در خلال جنگ رمضان، فقدان پروتکل‌های شفاف تفویض اختیار و انفعال لایه‌های میانی موجب شد تا ظرفیت راهبردی تعاونی‌های مرزنشین و کشاورزی در بازارهای موازی عمل‌آزمین گیر شود. به بیان دیگر، همان لحظه‌ای که بیشترین نیاز به چابکی و ابتکار محلی وجود داشت، ساختار تصمیم‌گیری با انسداد درونی، توان واگذاری مسئولیت را از دست داد و ظرفیت‌های آماده را بی‌استفاده گذاشت.

آسیب‌شناسی میدانی، نکته مهم‌تری را آشکار می‌کند: پیوند نیافتن رسمی نظام تصمیم‌گیری اضطراری با اکوسیستم تعاونی و غیبت رهبری بحران محور در این نبرد، ریسک گسست در تأمین مایحتاج عمومی را به بالاترین سطح ممکن رساند. این جمله را باید درست فهمید. مسئله این نیست که تعاونی‌ها نتوانستند؛ مسئله این است که نظام بحران، سازوکاری برای فراخواندن و به کارگیری آن‌ها نداشت. غیبت رهبری بحران محور به این معناست که هیچ نهادی مسئولیت پیوند دادن این ظرفیت پراکنده با نیاز فوری را بر عهده نداشت. نتیجه، خلأیی بود که هم‌زمان هم منابع محلی را بی‌استفاده می‌گذاشت و هم بازار را در برابر نوسان و انحراف آسیب‌پذیر می‌کرد. چنین وضعیتی در بحران‌های آینده نیز قابل تکرار است، مگر آن که پیش از وقوع، سازوکارهای حقوقی و اجرایی آن تدارک دیده شود. در همین چارچوب، برای ارتقای امنیت اقتصادی و

گروه راهبردی - مرتضی فاخری - تجربه تاریخی مدیریت بحران در ایران گویای واقعیتی است که کمتر در ادبیات سیاست‌گذاری رسمی به آن پرداخته شده است: هرگاه ساختارهای متمرکز و بوروکراتیک در معرض تکانه‌های سنگین امنیتی یا بهداشتی قرار گرفته‌اند، این شبکه‌های تعاونی بوده‌اند که توانسته‌اند شریان‌های حیاتی تأمین را زنده نگه دارند. هشت سال دفاع مقدس و همه‌گیری کرونا دو آزمون بزرگ در این زمینه‌اند که حافظه نهادی کشور را از کارآمدی سازوکارهای غیردولتی و محلی‌نگر انباشته‌اند. با این حال، رویدادی چون جنگ رمضان نشان داد که همین ظرفیت عظیم، در غیاب پیوند رسمی با نظام تصمیم‌گیری اضطراری، به سرعت به وضعیت تعلیق فرو می‌گفت و مزیت نسبی خود را از دست می‌دهد. در مواجهه با تکانه‌های امنیتی و منازعات نظامی، کارآمدی زنجیره‌های متمرکز تأمین همواره با چالش‌های بنیادین رو به رو بوده است. این ادعانه شعاری سیاسی، بلکه نتیجه مشاهده‌پذیری تجربی است. وقتی کانال‌های رسمی توزیع تحت فشار قرار می‌گیرند، انعطاف ساختارهای مردمی و محلی است که تفاوت را رقم می‌زند. تجربه ثبت‌شده در دوران دفاع مقدس و پاندمی کرونا نشان می‌دهد که با تکیه بر شبکه گسترده شرکت‌های تعاونی، امکان حفظ شریان‌های زیستی، مهار تورم و تأمین اقلام راهبردی در سطح محلی فراهم شده و انحرافات بازار به حداقل رسیده است. تعاونی‌ها در این تجربه هانه به عنوان نهادی حاشیه‌ای، بلکه به مثابه بازوی اجرایی خرد و پراکنده نظام تأمین عمل کرده‌اند؛ بازویی که مزیت اصلی‌اش نه در قدرت سرمایه، بلکه در دانش بومی، پیوند اجتماعی و نزدیکی به میدان نیاز است. با این حال، در بزنگاه امنیتی جنگ رمضان، قطع ارتباطات اداری و از دسترس خارج شدن لایه‌های مدیریت ارشد،

پیشگیری از فلج ساختاری در رویدادهای پیش‌رو، باز طراحی سازوکارهای حقوقی در قالب یک بسته سیاستی الزام‌آور می‌باشد. نخستین مؤلفه این بسته، تدوین دستورالعمل‌های پیشینی تفویض صلاحیت به مدیران محلی است. اهمیت این مؤلفه در آن است که تفویض اختیار را از واکنشی احساسی در لحظه بحران به رویه‌ای از پیش تعریف شده تبدیل می‌کند؛ رویه‌ای که در آن حدود مسئولیت، سلسله مراتب فرمان و سازوکار پاسخ‌گویی روشن باشد. بدون چنین پیش‌بینی‌ای، تجربه جنگ رمضان نشان داد که لایه‌های میانی در غیاب دستور صریح، عملاً فلج می‌شوند و ظرفیت محلی بدون استفاده می‌ماند. مؤلفه دوم، ادغام رسمی شبکه تعاونی‌ها در مصوبات ستاد مدیریت بحران کشور است. این ادغام باید فراتر از حضور تشریفاتی نماینده‌ای در جلسات باشد و به معنای تعریف جایگاه عملیاتی مشخص برای تعاونی‌ها در زنجیره تأمین اضطراری، تعیین سهمیه و مسئولیت و سازوکار گزارش دهی متقابل باشد. تجربه کرونا و دفاع مقدس نشان داد که تعاونی‌ها وقتی جایگاه رسمی داشته‌اند، توانسته‌اند انحرافات بازار را مهار کنند؛ اما همین ظرفیت، در نبود جایگاه رسمی، به حاشیه رانده شده است. بنابراین رسمیت بخشی، نه امتیازی به تعاونی‌ها، بلکه سرمایه‌گذاری نظام حکمرانی بر ظرفیتی است که پیشتر آزمون خود را پس داده است.

مؤلفه سوم، طراحی سناریوهای اقدام اضطراری است که در زمره فوریت‌های تقنینی قلمداد می‌شود. سناریو نویسی در این سطح، صرفاً تمرین ذهنی نیست؛ ابزاری برای شناسایی گلوگاه‌ها پیش از وقوع بحران و تخصیص پیشینی مسئولیت است. اگر سناریوهای مشخصی برای شرایط قطع ارتباطات، خروج مدیریت ارشد از دسترس و اختلال زنجیره تأمین تدوین شده باشد، پاسخ نظام در لحظه بحران به جای آزمون و خطا، بر مسیرهای تمرین شده استوار خواهد بود. این همان تفاوت بنیادین میان مدیریت بحران و مدیریت واکنشی است.

در کنار این سه مؤلفه، اجرای مانورهای دوره‌ای مشترک میان نهادهای دولتی و شبکه تعاونی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. مانور مشترک، هماهنگی را از سطح کاغذ به سطح عمل منتقل می‌کند و اعتماد متقابل میان دو ساختار را می‌سازد. رسمیت بخشی به مداخله خود اتکای این تشکل‌ها نیز مکمل ضروری همین فرایند است؛ زیرا تعاونی‌ها تنها زمانی می‌توانند در بحران ایفای نقش کنند که اختیار تصمیم‌گیری سریع در سطح محلی را داشته باشند و منتظر مجوزهای زنجیره‌ای نمانند. مجموع این تدابیر، پایداری زنجیره‌های تأمین در مواجهه با شوک‌های حاکمیتی و امنیتی را تضمین خواهد کرد.

جمع‌بندی این تحلیل، نکته‌ای فراتر از اصلاح فنی سازوکارهاست. تجربه جنگ رمضان، کرونا و دفاع مقدس سه بار یک پیام را تکرار کرده‌اند: امنیت اقتصادی و تاب‌آوری اجتماعی را نمی‌توان تنها بر دوش ساختار متمرکز گذاشت. تعاونی‌ها در این تجربه هانه جایگزین دولت، بلکه مکمل آن بوده‌اند؛ مکملی که مزیت آن در پراکندگی، بومی بودن و پیوند با جامعه است. نظام تصمیم‌گیری اضطراری اگر این مکمل را در معماری خود بگنجانند، در بحران بعدی با شبکه‌ای آماده و مسئولیت‌پذیر رو به رو خواهد بود؛ اما اگر همچنان به تمرکزگرایی مفرط و بوروکراسی دولتی تکیه کند، ظرفیتی را که سه آزمون بزرگ کارآمدی آن را اثبات کرده، بار دیگر در وضعیت تعلیق رها خواهد کرد. بسته سیاستی پیشنهادی مرکز پژوهش‌های مجلس، در واقع دعوتی است به بازطراحی این معماری پیش از آن که بحران بعدی، فرصت بازطراحی را از میان ببرد.

در انتخابات بازرسی قانونی انجمن کشتیرانی؛

حسن رضا صفری بار دیگر رای اعتماد اعضای انجمن کشتیرانی را گرفت

سالیانه انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران روز سه‌شنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۵ در سالن کوه نور هتل پارسیان لوین تهران برگزار شد و انتخابات بازرسان قانونی از جمله دستور کارهای این نشست بود. بر اساس نتایج انتخابات، حسن رضا صفری که در دوره گذشته نیز مسئولیت بازرسی قانونی انجمن را بر عهده داشت، بار دیگر اعتماد اعضای مجمع را به دست آورد.

به گزارش اقتصادسرآمد از روابط عمومی انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران؛ انتخابات بازرسان قانونی انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران در جریان مجمع عمومی سالیانه این تشکل برگزار شد و با رأی اعضای مجمع، حسن رضا صفری بار دیگر به‌عنوان بازرس قانونی و لطف‌الله متقی به‌عنوان بازرس قانونی علی‌البدل انتخاب شدند. مجمع عمومی

